

# امیدان شهر های خسته

۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ باشگاه قدیمی نساجی تاسیس شد تا امیدی باشد برای شهری خسته، تیمی که طی این سال ها فراز و فرود زیادی داشته و حالا در معرض سقوط دوباره است؛ به این بهانه مروری داریم بر حال و هوای امروز تیم های ریشه دار کشور، از پاس تا بومسلم و...

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده



نساجی که بازی دارد گوشه و کنار ورزشگاه شهید وطنی جای سوزن انداختن نیست، حتی خیلی ها روی سقف و پشت پنجره ساختمان های مجاور در حال تماشای بازی تیمی هستند که برای شادی یک شهر خوب جنگیدن را بلد است؛ مثل مبارزی که دست خالی به میدان آمده اما سرنترسی دارد. افسوس که قدیمی ترین تیم شمالی یعنی نساجی ۶۶ ساله دوباره در معرض سقوط به لیگ یک است. تیمی دوست داشتنی با هوادارانی پر شور که فرهنگ خاصی بر تعامل شان با تیم حاکم است. در روزگاری که فوتبال با پول، هیاهو و حاشیه ها شناخته می شود تلخ است که شاهد سقوط نساجی باشیم؛ آن هم وقتی بسیاری از تیم های قدیمی که به لیگ های پایین تر رفتند به مرور در مسیر ناکامی های بزرگ و تلخ قرار گرفتند. اما چاره ای نیست وقتی فوتبال این چنین با ریشه دار ها بی رحم شده. تیم هایی که هواداران شان دو قطبی پرسپولیس و استقلال را بر هم می زدند و دنیای فوتبال را رنگی تر می کردند. مهم نیست دو تیم با پخت چقدر پدیده دارند و چطور اداره می شوند، میلیارد ها میلیارد هزینه قرار دادهای اشتباه و فسخ های این دو تیم است که برای تیمی مثل نساجی پول بزرگی محسوب می شود. فراتر از این قرمز و آبی، سپاهان و تراکتور هم طوری خوب های لیگ را روی نیمکت و برای تماشای بازی از روی سکوها با قیمت بالا جذب می کنند که سهم تیم های بازیکن ساز از پدیده های خودشان می شود هیچ. تیم هایی مثل نساجی کارخانه بازیکن سازی برای تیم های متمول هستند و تماشاگر هزینه های نجومی دیگران. اما حق شان از فوتبال این نیست. هر چند استقلال، پرسپولیس، تراکتور و سپاهان قطعاً ریشه دار و پر هوادار محسوب می شوند اما حرف این مطلب آن است که برای جذابیت فوتبال نباید همه منابع و توجهات معطوف به این تیم ها باشد و و قتش است فوتبال را از زاویه دیگری ببینیم. شاید از زاویه تیم هایی که رویای یک شهر هستند اما خودشان روزگار تلخی دارند.



## صنعت نفت خوزستان برزिलته

وضعیت فعلی رده پنجم لیگ یک

از تیم جدا می شوند. حالا باید منتظر بمانیم تا دوباره روزی با هیاهو و شادی سکوها ی ورزشگاه خانگی نفت، خاطرات خوب مان با این تیم زنده شود. روزگاری که شاید عدالت در فوتبال بهتر اجرا شود.



## پاس کجایی قهرمان آسیا؟

وضعیت فعلی انحلال!

برهانی، رسول خطیبی، وحید هاشمیان... را داشت بعد از ۵ بار قهرمانی در لیگ ایران به تلخ ترین و عجیب ترین شکل ممکن منحل شد تا با حسرت به عکس هایی نگاه کنیم که از روزهای اوج این تیم و بازی های حساسش با پرسپولیس و استقلال به یادگار مانده است.



## ابومسلم مشکى رنگ عشقه

وضعیت فعلی انحلال

و... مانع از آن شدند که این تیم دوست داشتنی نابود شود. اما بالاخره اتفاقی که نباید افتاد و چیزی جز حسرت باقی نماند. امروز مشهد به عنوان دومین شهر بزرگ کشور فقط در لیگ های پایین تیم داروین برای شهری که حدود ۳ میلیون جمعیت و منابع فراوان دارد بسیار زشت و تلخ است.



## و باد یادی از آرات، شاهین و...

که دوباره امثال طارمی و قائدی را تحویل فوتبال بدهد. یا صبا باتری، پگاه، وحدت، بهمن، راه آهن، گسترش فولاد و... که اگر هنوز بودند می توانستند منشاء معرفی استعدادها و تزریق خاطرات بیشتر به فوتبال باشند.

تیم های زیادی را می توانستیم به این فهرست اضافه کنیم، مثل «آرات» که خاستگاه بازیکنان ارمنه بود و ملی پوشان پرشوری دار و تعداد تیم های این چنینی هر چه بیشتر باشد همچنان بیشتری به فوتبال تزریق می شود. بماند که حق هوادار یک تیم ریشه دار است که از بازی تیمش در لیگ برتر لذت ببرد.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴  
۳ دی القعد ۱۴۴۶ • اول می ۲۰۲۵  
شماره ۲۱۷۵۷

۲۹۷۶

## معلمی با چاشنی استند آپ

## و تست رفتار شناسی

گفت و گو با معلم شایسته تقدیر دومین دوره «جایزه معلم» که به خاطر برگزاری از مونها ی تست شخصیت از دانش آموزان و تشخیص نوع رفتار شخصیتی آن ها، تدریس حرفه ای دارد

مریم رستگار | خبرنگار

معلم، کانون نور و علم در زندگی هر انسانی است که با دستان لطیف و کلمات دلنشینش، مرزهای تاریکی چهل را در می نوردد. او نه تنها آموزگار علم، بلکه راهنمایی است که با مهر و محبت، روح ها را به سوی روشنائی سوق می دهد. در دنیایی که چالش ها و ناملات بر سر راه جوانان قد علم می کند، معلم با صبور و آگاهی، سنگ بنای حیات اجتماعی را با تربیت نسل های آینده می سازد. نقش او در پرورش شخصیت های موزی که با قلبی سرشار از محبت در ک به جامعه خدمت می کنند، غیر قابل انکار است؛ زیرا معلم، سازنده فردای روشن تری برای بشریت است. در مینی پرونده امروز زندگی سلام به سراغ «ابراهیم باقری پور» دبیر هنرستان های استان خراسان رضوی رفتیم که با ارائه طرح های نوین کارآموزی در هنرستان امام حسن عسکری (ع) و با برگزاری از مونها ی تست شخصیت از دانش آموزان و تشخیص نوع رفتار شخصیتی آن ها تدریس را به صورت حرفه ای به آن ها آموزش داد و برنده عنوان شایسته تقدیر دومین دوره «جایزه معلم» در سال ۱۴۰۳ شد.



خودتان را معرفی کنید؟

ابراهیم باقری پور هستم. از سال ۱۳۷۹ در شهر تهران و سپس در شهر های استان تهران، آموزش و پرورش را بر ای زندگی و لذت های معنوی ام انتخاب کردم.

ماجرای جایزه بین المللی معلم چیست؟

عده از خیرین آموزشی به همراه اساتید دانشگاه تربیت مدرس تهران و چند دانشگاه دیگر دور هم جمع شدند تا حیثیت کمرنگ شده ساحت معلمی را به حالت اولیه خودش و بالاتر بازگردانند و به صورت معنوی و مادی جایزه ای را در کشور طراحی کردند. هر فعال فرهنگی که بتواند در ۳ شاخص خودش را مطرح کند در رویداد جایزه معلم شایسته تقدیر می شود. ۲۰ شاخص هم شامل، نوآوری و خلاقیت، استفاده از مشارکت های مردمی و سومین شاخص هم این است که میزان تاثیر گذاری اش در جامعه هدف به قدری باشد که اگر ای رای گیری به میان آمد بتواند گوی سبقت را از سایر رقبا بریابد بر این اساس ۵۲ نفر از ۳۲ کشور مسلمان در این رویداد شرکت کردند از این تعداد ۲۲ نفر به مرحله نیمه نهایی رسیدند و ۵ نفر به نیمه نهایی رسیدند و یک نفر حائز رتبه اول می شود.

به چه دلیل به عنوان یکی از معلم های برتر کشور انتخاب شدید؟

یک مشکل معلم های ما، این است که از تشخیص دقیق تیپ شخصیتی افراد برای هدایت تحصیلی و شغلی غافل ماندند. این دقیقاً همان کاری است که من علاوه بر تدریس در س های فنی، با برگزاری از مونها ی تست شخصیت و مشاوره دادن به دانش آموزان، انجام می دهم. من باور دارم که معلم باید از خیلی جاهات شبیه پزشک ها باشد، یعنی طبیب باشد. در هنرستان ما بیش از ۱۳۰۰ دانش آموز، بالغ بر ۸۰۰ نفر از آسیب های متعدد اجتماعی رنج می کشند و مادر پایان کارگاه روز، آغوش ریگان داریم و بچه های ۱۷، ۱۸ ساله، در بغل من گریه می کنند. چون از لحاظ روانی، توجه کافی به آن ها نشده است. از نظر من، معلم اگر نتواند استند آپ کمدی در درس داشته باشد، متأسفانه در این دوره با وجود فضای مجازی و هوش مصنوعی باید بگویم که کارآمد نخواهد بود.

تا به حال از انتخاب شغل معلمی پشیمان شده اید؟

برای کسی مثل من و سایر معلم هایی که الگوی من بودند هیچ وقت این اتفاق نمی افتد حتی در حدیک ثانیه. اصولاً اگر کسی در منش و روش زندگی اش برای تعلیم و تربیت ارزشی قائل باشد که برای هیچ چیز قائل نیست همچین مسئله ای حتی به ذهنش خطور نخواهد کرد. اگر صدبار دیگر متولد شوم، آرزوی من این است که سر کلاس درس باشم حتی اگر لازم باشد به خاطر این قضیه به جای این که مبلغی دریافت کنم، مبلغی تقدیم کنم.

نظر تان در مورد این که گفته می شود دانش آموزان ایرانی از نظر سطح علمی ضعیف شدند، چیست؟

ایران در رتبه چهارم جهانی سطح آکیو قرار گرفته و ایرانی ها از نظر هوشی جزو ۱۰ کشور برتر جهان هستند ولی متأسفانه به دلیل گسترش فضای مجازی توهم آگاهی را به شدت دامن زد. بچه های مادر شراپلی روی بر که امتحان نمی توانند خودشان را نشان دهند که هر کدام شان از نظر خودشان یک دانشمند بلا مناع و در هنگام اظهار نظر بسیار افسار گسیخته هستند. کتابی را من در دست تالیف دارم که عنوان فکاهی دار با نام «زندگی در میان کروکودیل ها». کروکودیل از نظر زیست شناسی خاصیتی دارد که اگر کسی بخواهد در لحظه باز کردن دهان کروکودیل مانع از باز کردن دهانش شود بایک دست می تواند از این کار جلوگیری کند اما کروکودیل موفق شود دهانش را باز کند ۸ تن نیرو لازم است تا دهانش بسته شود. من به صورت فکاهی شاگردان خودم را در این ۲۹ سال و در این ۵۹ هنرستان و دانشگاه تشبیه می کنم به این که اگر معلمان و اولیا موفق نشوند در بدو باز کردن دهان بدون اطلاع، اقدام بکنند برای اطلاع اواز چهل مرکبش دیگر از دهانش باز شود همان اتفاقی می افتد که مادر فضای مجازی داریم می بینیم. تمام بچه ها می توانند کامنت بگذارند و اظهار نظر بکنند، خودشان را بی نیاز از کتاب و دانش می بینند. برخی از مشاهدات اجتماعی هم به این موضوع دامن می زند مثل این که «کسانی ندیده اند و دتر رسیده اند»، خانواده و مدرسه باید دست به دست هم دهند و برای سواد عاطفی در حال آسیب دانش آموزان چاره ای بچینند.